

## روابط استراتژیک ایران و روسیه

### لئونید اسکلیارف<sup>۱</sup>

#### ترجمه بهرام تهرانی

قرن بیست و یکم قرن آسیا خواهد بود. زیرا کشورهای آسیایی که از عواقب جنگ سرد آزاد شده‌اند می‌توانند با سرعت بیشتری نسبت به اروپای پیر رشد نمایند. این مطلب را می‌توان از لحاظ عامل جمعیتی مورد توجه قرار داد. در اروپا رشد جمعیت تقریباً ثابت مانده و حتی در بعضی از کشورها از جمله روسیه منفی است. اما در آسیا برعکس شاهد رشد سریع جمعیت هستیم که هر ۲۰-۱۵ سال شاهد دوبرابر شدن آن هستیم. بدیهی است تأمین مواد غذایی، پوشاک، مسکن چنین جمعیت عظیمی احتیاج به رشد بسیار سریع امور اقتصادی دارد و این بدان معنا است که آسیا احتیاج به سرمایه‌گذاری، صنایع، تکنولوژی، منابع انرژی و از جمله اتمی، مواد اولیه، کالاهای مصرفی و غیره دارد. هرکس که بتواند با امکانات بهتر قبل از دیگران به این بازار بیکران آسیا دست یابد بهترین سود و فایده را خواهد بُرد. لذا با این دیدگاه، ایران با سیاست فعال منطقه‌ای خود در آسیا و وارد شدن به بازار آنها به‌طور همزمان در چندین منطقه آسیایی می‌تواند برای روسیه یک شریک مناسب باشد.

این فرضیه که ایران و روسیه همسایه و مجبور به همکاری هستند دیگر یک عبارت عادی و معمولی گردیده است. در واقع تاریخ روابط ایران و روسیه قدمت ۴۰۰ ساله دارد چنانچه این امر را از مأموریت اندی بیک در سال ۱۵۸۶ به مسکو به‌عنوان سفیر سلطان محمد خدابنده محسوب داریم. در این مدت طولانی در تاریخ روابط شاهد رشد و رکود آن بوده‌ایم. رکود اخیر روابط در آغاز دهه هشتاد بود که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و در سیاست خارجی اصل «نه شرقی - نه غربی» اعلام و اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان دشمن شماره دو بعد از آمریکا معرفی گردید.

۱. آقای لئونید اسکلیارف رئیس بخش ایران‌شناسی آکادمی علوم روسیه و رئیس انجمن دوستی روسیه و ایران است. وی در سال ۱۹۸۹ کتابی با عنوان «انقلاب اسلامی ایران ۱۹۷۹» منتشر نموده است. این مقاله در دومین میزگرد ایران و روسیه (مسکو ۱۲ و ۱۳ مهرماه ۱۳۷۴) ارائه گردید.

خوشبختانه این وضعیت طولانی نشد و در پایان دهه هشتاد و آغاز دهه نود (۹۰) توسعه روابط ایران و روسیه به دلایل بسیار روشن آغاز شد. پس از انهدام سیستم سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد شوروی و شیخ کمونیسم، و به کلام دیگر نشان دادن دندانهای تیز در مرزهای شمالی ایران به پایان رسید و به نوبه خود در آن زمان معلوم گشت که در مورد خطر انقلاب اسلامی ایران و تحریک نهضت‌های اسلامی افراطی در جمهوری‌های سابق شوروی بیش از حد مبالغه شده است. می‌توان بیان داشت که در اواسط دهه ۹۰ یخها در روابط ایران و روسیه آب شد ولی هوای سرد بهاری هنوز جای خود را به هوای گرم تابستان نداده است.

ضمناً تغییرات عظیم ژئوپلتیک در صحنه بین‌المللی، آینده مساعدی را برای گسترش روابط ایران و روسیه به وجود آورده است. بلوک شرق دیگر صحنه مبارزات ایدئولوژیک و نظامی - سیاسی میان دو سیستم جهانی نیست و آن تقسیم‌بندی که شرق را از متحدین شوروی، بعضی کشورها را از متحدین غرب یا کشورهای غیرمتحد می‌خواند از بین رفت. البته این بدان معنا نمی‌باشد که هرگونه مبارزه بخاطر به دست آوردن برتری و تفوق مواضع در بلوک شرق از میان رفته بلکه مبارزه ایدئولوژیک آشتی‌ناپذیر به زمینه‌های دیگری تبدیل شده است؛ یعنی زمینه رقابت اقتصادی در بیشتر اوقات تعیین‌کننده خط‌مشی سیاسی نیز می‌باشد. به عبارت دیگر در مبارزه و رقابت شدیدی که برای دستیابی به مواد اولیه و بازار فروش به وجود آمده کار با دستکشهای سفید انجام نمی‌پذیرد. اگر دقیق‌تر به این مسئله نگاه کنیم آنگاه رفتار روسیه در چچن و کردار دولتهای غربی در بحران بوسنی که ریشه عمیق و پنهان اقتصادی دارد را درمی‌یابیم.

زمینه‌های سیاسی و اقتصادی میان دو کشور با توجه به علائق روسیه و ایران نسبت به یکدیگر تعیین می‌شود. روسیه گرچه فعلاً دورانی سخت و موقت را تحمل می‌کند (از نقطه نظر مقیاس تاریخی موقت می‌باشد) در هر صورت یک کشور صنعتی پیشرفته با اقتصادی قوی، علوم - فنون، ظرفیتهای تکنولوژی و مواد اولیه، بوده و باقی خواهند ماند که ایران می‌تواند اگر امروز نخواهد در آینده نه چندان دور برای توسعه خود از آنها استفاده نماید. بازار بزرگ روسیه برای کالاهای ایرانی باز است. روسیه عضو بیشتر سازمانهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت می‌باشد و می‌تواند در سیاست جهانی همواره ایفای نقش نماید. بنابراین همکاری با روسیه برای ایران دارای منافع سیاسی معین می‌باشد.

تا جایی که مربوط به ایران می‌شود با توجه به اینکه از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار است می‌تواند همزمان در مناطق مختلف فعال باشد. منطقه خلیج فارس، منطقه آسیای غربی که شامل ترکیه، پاکستان و افغانستان می‌شود در منطقه آسیای مرکزی و غربی شامل ۱۰ کشور سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر و همچنین در منطقه دریای خزر. بنابراین ایران به‌عنوان حلقه اتصال این مناطق می‌باشد. همچنین ایران سیاست فعالی در راستای شکل‌گیری منطقه آسیای مستقل که از دریای مدیترانه تا اقیانوس آرام و از ولگا تا اقیانوس هند ادامه دارد، ایفا می‌نماید.

می‌توان با اطمینان کامل اظهار داشت که روند همگرایی منطقه‌ای در شرق در نیمه اول قرن بیست و یکم هم تقویت می‌گردد و منطقه آسیا می‌تواند سیمای مرئی و نمایانی را به‌دست آورد. برای این ادعا دو دلیل بیان می‌دارم اول اینکه شرق دیگر از لحاظ ایدئولوژی از خط امپریالیزم یا سوسیالیزم، خارج شده است و دوم اینکه مقابله جهانی بین دو سیستم شرق و غرب که ضمن آن روسیه نسبت به شرق به‌عنوان صحنه مبارزه با امپریالیزم جهانی و نیز منافع غرب به کشورهای تحت قیمومت خود که به‌عنوان کمک و حمایت در چارچوب دکترین بازدارنده عمل می‌کرد پایان یافته است. توسعه‌طلبی در شرق به‌میزان فراوانی تضعیف شده و در این شرایط کشورهای شرق که رها شده‌اند و دیگر از سوی کشورهای حامی قبلی خود حمایت نمی‌شوند به‌طور اجتناب‌ناپذیر سعی می‌نمایند میان خود همگرایی به‌وجود آورند تا بتوانند مسائل خود از جمله میراثی که از مبارزه جهانی دوا بر قدرت باقی مانده است را برطرف نمایند. همچنین با اطمینان کامل می‌گوییم که قرن بیست و یکم قرن آسیا خواهد بود. زیرا کشورهای آسیایی که از عواقب جنگ سرد آزاد شده‌اند می‌توانند با سرعت بیشتری نسبت به اروپای پیر رشد نمایند. این مطلب را می‌توان از لحاظ عامل جمعیتی مورد توجه قرار داد. در اروپا رشد جمعیت تقریباً ثابت مانده و حتی در بعضی از کشورها از جمله روسیه منفی است. اما در آسیا برعکس شاهد رشد سریع جمعیت هستیم که هر ۲۰-۱۵ سال شاهد دوبرابر شدن آن هستیم. بدیهی است تأمین مواد غذایی، پوشاک، مسکن چنین جمعیت عظیمی احتیاج به رشد بسیار سریع امور اقتصادی دارد و این بدان معنا است که آسیا احتیاج به سرمایه‌گذاری، صنایع، تکنولوژی، منابع انرژی و از جمله اتمی، مواد اولیه، کالاهای مصرفی و غیره دارد. هرکس که بتواند با امکانات بهتر قبل از دیگران به این بازار بیکران آسیا دست یابد بهترین سود و فایده را

خواهد بُرد. لذا با این دیدگاه، ایران با سیاست فعال منطقه‌ای خود در آسیا و وارد شدن به بازار آنها همان طوری که قبلاً اشاره شد به‌طور همزمان در چندین منطقه آسیایی می‌تواند برای روسیه یک شریک مناسب باشد. با این فرضیه که قرن بیست و یکم قرن آسیا خواهد بود می‌توان از تجربه تاریخی استفاده کرد. بخاطر می‌آوریم که آسیا در آغاز قرن بیستم چگونه بود و چگونه به پایان قرن بیستم می‌رسد و چگونه وارد قرن بیست و یکم می‌شود و طبق قانون تسریع تاریخ در قرن بیست و یکم تغییرات حیرت‌انگیزی در حال انجام است و بعید نیست، آسیا از لحاظ سطح توسعه صنعتی در پایان قرن به پای کشورهای غربی برسد. ضمناً روسیه و ایران در خلاء قرار ندارند بلکه در یک سیستم پیچیده روابط بین‌الملل و تعادل منافع که بدون شک بر چگونگی روابط میان دو کشور تأثیرگذار خواهد بود واقع شده‌اند.

هدف استراتژیک روسیه این است که سعی نماید تا به‌عنوان یک عضو با اختیارات کامل «خانه اروپا» درآید که علل آن هم روشن است. اکثر منافع سیاسی و اقتصادی روسیه در جهت غرب است. می‌توان اظهار داشت که روسیه تقریباً بیش از سیصدسال از زمانی که پطر اول پنجره‌ای را به سمت اروپا باز کرد، همواره خود را یک کشور اروپایی می‌شمارد، هرچند بخشی از خاک آن مثل تاتارستان، کالمیکی، باشقیرستان و غیره جزو آسیا می‌باشد. بنابراین روسیه استراتژی سیاست «شرقی» خود را مثل یک کشور اروپایی بنا می‌گذارد به‌عبارت دیگر سیاست شرقی روسیه باید چنان باشد که هیچ‌گونه لطمه‌ای به روابط آن کشور با دنیای غرب وارد نیابد. طبیعی است که سخن درباره‌ی خطر استراتژیک است نه در مورد درگیری‌ها و اصطکاک‌های کوچک و ناچیز - مثل درگیری با آمریکا در مورد فروش راکتورهای هسته‌ای به ایران و یا اختلاف نظر در مورد معضل بوسنی.

با توجه به این مطالب روابط ایران و روسیه بستگی فراوانی به سیاستی دارد که ایران در منطقه اتخاذ می‌نماید. چنانچه این سیاست در راستای اتحادیه کشورهای آسیایی به‌منظور همکاری‌های اقتصادی نزدیکتر و با امکان پیوستن سایر کشورهای غیرآسیایی با آنها باشد، هیچ‌گونه مشکلی برای توسعه روابط ایران و روسیه پیش نخواهد آمد. چنانچه هدف ایران در مورد اتحادیه سیاسی و اقتصادی کلیه کشورهای آسیایی و یا بخشی از آنها به‌منظور ایجاد «قطب نیرو»ی ثانوی و علیه غرب باشد، آنگاه امکان همکاری بین ایران و روسیه بسیار محدود خواهد شد، بخصوص اگر این «قطب نیرو» شکل و رنگ اسلامی نیز پیدا کند.

چنانچه روابط اروپایی و آسیایی تحت تأثیر ایران، جنبه درگیری سیاسی پیدا کند و روسیه در مقابل مسئله انتخاب قرار گیرد، بدون شک روسیه ترجیح می‌دهد روابط خوب خود با غرب را حفظ کند و در مناقشاتی که پیش می‌آید در کفه بلوک ضد غربی دولتهای آسیایی قرار نگیرد.

تمام این موارد در بلندمدت به اصول کلی و همکاری‌های آتی ایران و روسیه مربوط می‌شود. به‌طور خلاصه مسائل روابط دو کشور را براساس مناطق موجود مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱. خلیج فارس و خاور نزدیک

به‌جرات می‌توان بیان داشت که روسیه برخلاف کشورهای غربی هیچ‌گونه منافع استراتژیک در این منطقه ندارد. روسیه خود دارای ذخایر نفتی است؛ در صورتی که غرب بدون نفت خاور نزدیک نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، لذا این منطقه، ناحیه‌ای استراتژیک و حیاتی برای غرب محسوب می‌شود.

مهمترین مسائل منطقه، امنیت و قیمت نفت می‌باشد. ایران طرفدار تأمین امنیت منطقه با نیروی کشورهای منطقه و بدون حضور سیاسی و نظامی غرب است. اما تجربه ۱۵ ساله اخیر بخصوص جنگ ایران و عراق و عراق و کویت نشان داد که کشورهای منطقه در وضعیتی نیستند که امنیت و ارسال بدون وقفه نفت به بازار جهانی را تأمین نمایند. یکی دیگر از مسائل حاد منطقه تضاد و مبارزه میان ایران - عراق و عربستان سعودی برای رهبری در خلیج فارس می‌باشد. برکسی پوشیده نیست که خط‌مشی ایران نسبت به مسئله امنیت در خلیج فارس و قیمت نفت با یکدیگر مرتبط‌اند. ایران فکر می‌کند که کشورهای عربی سازمان اوپک به‌طور مصنوعی قیمت نفت را بخاطر فشار شرکای غربی خود پایین می‌آورند. لذا از بین رفتن حضور سیاسی - نظامی غرب و الحاق ایران به سیستم امنیت دسته‌جمعی در منطقه این امکان را به ایران می‌دهد که بتواند جریان را کنترل و قیمت نفت را به غرب دیکته نماید. نه غرب و نه کشورهای عرب خلیج فارس با چنین خط‌مشی موافقت ندارند، زیرا در این شرایط منافع حاصل از افزایش سریع قیمت نفت نیز در نتیجه کاهش همکاری‌های اقتصادی غرب با کشورهای عرب اوپک منتفی می‌گردد.

با توجه به این تعادل منافع، مشکل به نظر می‌رسد که روسیه به‌طور همه‌جانبه با ایران در مسائل خلیج فارس همکاری داشته باشد؛ حتی در بعضی از موارد همکاری‌ها محدود خواهد شد. نزدیکی هرچه بیشتر روسیه و ایران در مورد مسائل سیاسی خاور نزدیک می‌تواند کشورهای عرب را هوشیار کرده و به منافع تاکتیکی روسیه در منطقه زیان وارد نماید. از جمله مسئله بازپرداخت دیون بعضی از کشورهای عربی یا ورود به بازار خاور نزدیک و بازار فروش اسلحه، علاقه روسیه به حل و فصل درگیری اعراب و اسرائیل و غیره که با توجه به نظر بعضی از سیاستمداران روسیه مبنی بر حضور کمتر خارجی‌ان در منطقه، بعید به نظر می‌رسد نظریات روسیه در این موارد از حد حرف به عمل درآید و گام‌های واقعی در این راستا برداشته شود. با توجه به علاقه‌مندی و منافع کمتری که روسیه در این منطقه دارد ضرورتی برای درگیری با غرب که در این منطقه منافع حیاتی دارد مشاهده نمی‌شود.

## ۲. آسیای مرکزی

ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیشتر رقیب هستند تا شریک. روسیه تمایل دارد تا کشورهای آسیای مرکزی به صورتی واحد در سیستم اقتصادی کشورهای مشترک‌المنافع حفظ شوند و ایران هم سعی می‌نماید تا هرچه بیشتر این کشورها را به همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب سازمان «اگو» و جریان کالا و مواد اولیه این کشورها از شمال به سمت جنوب تشویق کند که در نهایت موجب افزایش و گسترش همکاری‌های حمل و نقل، بانکی - مالی و ارتباطات زیربنایی در چارچوب اگو و میان مناطق آسیای مرکزی و غربی می‌گردد.

لیکن بازار آسیای مرکزی به قدری وسیع و پُر ظرفیت است که بعید به نظر می‌رسد در آینده برخورد منافع جدی میان ایران و روسیه در این منطقه پدید آید. البته در زمینه‌هایی که امکان تضاد منافع وجود داشته باشد همیشه امکان دستیابی به سازش خردمندانه وجود دارد. به‌طور مثال صدور بعضی از مواد اولیه و سرمایه‌گذاری مشترک برای تولید آن مواد و نیز محصولات که شدیداً مورد نیاز ایران و روسیه می‌باشد.

ضمناً روسیه و ایران برای عملی شدن واقعی برنامه توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی، احتیاج به سرمایه‌گذاری کلان دارند که نه روسیه و نه ایران هیچ‌یک چنین امکاناتی را در اختیار ندارند. از طرف دیگر در اینجا به‌غیر از برخورد منافع روسیه و ایران باید به سایر کشورها که در

منطقه فعالیت دارند و از امکانات مادی قوی نیز برخوردار هستند مثل ترکیه، ژاپن و در نهایت کشورهای غربی، توجه داشت.

بدین لحاظ روسیه و ایران با اتخاذ خط‌مشی خردمندانه و صحیح و استفاده از امکانات وسیع که برای همکاری در آسیای مرکزی در اختیار دارند می‌توانند با رقبای دیگر در منطقه نیز به مقابله بپردازند.

### ۳. دریای خزر

یکی از مهمترین مسائل این منطقه، مسئله ساختار حقوقی دریای خزر می‌باشد. روسیه معتقد است که مالکیت دریای خزر باید متعلق به ۵ کشور ساحلی باشد. رئیس‌جمهور ترکمنستان آقای نیازوف در حین دیدار از مسکو در بهار گذشته از مواضع روسیه در این ارتباط حمایت کرد. تا آنجایی که من می‌دانم موضع ایران درباره دریای خزر اجماع ۵ کشور ساحلی است. کشورهای قزاقستان و آذربایجان اصرار بر تقسیم دریای خزر به آبهای ساحلی و مناطق اقتصادی مشخص دارند. برکسی پوشیده نیست که تقسیم دریای خزر بیشتر در راستای منافع و شرکتهای نفتی غرب است؛ زیرا دیکته کردن شرایط به یک کشور با توجه به مشکلات مادی آن به مراتب آسانتر از بحث با پنج کشور ساحلی از جمله روسیه و ایران است. تقسیم دریای خزر چه خطراتی دربر دارد؟ اولاً ایران و روسیه آخرین مرز کلی خود را از دست می‌دهند و این امر آثار منفی بر روابط تجاری دو کشور باقی می‌گذارد. ثانیاً در چنین شرایطی بعید به نظر می‌رسد ایران بتواند از خط آستارا - حسن قلی خارج شود. در این صورت ایران دارای حوزه آبی برابر ۴۴ هزار کیلومتر مربع، قزاقستان ۱۱۴ هزار کیلومتر مربع، ترکمنستان و آذربایجان و روسیه تقریباً ۷۰-۸۰ هزار کیلومتر مربع می‌گردند. ثالثاً، به این ترتیب پیشنهاد ایران در مورد تأسیس سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی و شورای دریای خزر دیگر مفهومی نخواهد داشت و یا اینکه هریک از کشورها بلاشریک مالک بخشی از دریا می‌شوند و شورای دریای خزر یک چیز اضافی خواهد بود. رابعاً، این امر موجب تقویت مواضع کشورهای غربی در این منطقه مهم نفتی می‌گردد و در آینده با توجه به ذخایر و استخراج نفت، دریای خزر تبدیل به محل رقابت آنها می‌گردد، خامساً، کشورهای غربی سهل‌تر می‌توانند امکانات را محدود کرده و از شرکت ایران و روسیه در پروژه‌های نفتی دریای خزر جلوگیری نمایند. کما اینکه در حال حاضر چنین عملی را



در ارتباط با جلوگیری از شرکت ایران در کنسرسیوم نفتی آذربایجان انجام داده‌اند. بنابراین مشاهده می‌شود که ایران و روسیه دارای منافع مشترک فراوانی در دریای خزر هستند و به همکاری با یکدیگر در این منطقه نیاز دارند. تنها موردی که آنها را از یکدیگر دور می‌سازد مسئله مسیر لوله نفت می‌باشد. اما این تضاد هیچ‌گاه تا مرحله برخورد منافع بین ایران و روسیه پیش نمی‌رود، زیرا غرب علاقه‌مند نیست که خط لوله نفت از قلمرو ایران و یا روسیه رد شود و ترجیح می‌دهد تا نصب خط لوله نفت و عبور آن از طریق ترکیه عملی شود.

ایران و روسیه همان مشکل سرمایه در آسیای مرکزی را در دریای خزر نیز دارند، کما اینکه اگر از امکانات سرمایه‌گذاری کلان برخوردار بودند غربی‌ها نمی‌توانستند سهام خود را در کنسرسیوم نفت آذربایجان به ۴۴٪ برسانند و این همکاری‌ها بین ایران و روسیه تقسیم می‌شد.

در خاتمه اشاره می‌کنم که در این مقاله تنها به نکات کلی و امکانات همکاری بین ایران و روسیه در زمینه ژئوپلتیک و از نظر یک شرق‌شناس اشاره شده است و اجباراً نباید با دیدگاه‌های رسمی دولت مطابقت داشته باشد.